

سیره حضرت علی (علیه السلام) در ایجاد و گسترش انسجام اجتماعی با تکیه بر نقش رسانه ملی

سید محمد حسین سادات چاوشیان^۱، محمد هادی مفتاح^۲

چکیده

امروزه سیره بعنوان یکی از ادله شناخت احکام اسلامی، ارزش و اعتبار دارد. مطالعه در سیره امام علی علیه السلام نشان می‌دهد هدف آن حضرت، تنها حفظ اصل اسلام و وحدت بین عموم مسلمانان بود و در مسئله خلافت - که اولین اختلافی بود که در بین امت اسلامی به وجود آمد - حضرت علی علیه السلام با صبر و سکوت خود، اجازه نداد این اختلاف، وحدت امت اسلامی را خدشه دار سازد. از آنجاییکه، انسجام و همبستگی اجتماعی یکی از کارکردهای مهم رسانه‌ها در عصر حاضر می‌باشد، رسانه ملی بعنوان بازوی حکومت اسلامی در راستای حفظ وحدت و نظم اجتماعی و به وجود آوردن باورها، احساسات و رفتار مشترک در میان اقشار و صفوف مختلف جامعه اسلامی، نقشی مهم و تاثیرگذار را ایفا می‌نماید. توجه به سیره ارتباطی و تبلیغی امیر المومنین علیه السلام در کنار مطالعه کتاب شریف نهج البلاغه می‌تواند به عنوان منبع و الگوی مناسب جهت حفظ وحدت و انسجام اجتماعی مورد توجه رسانه ملی قرار گیرد. زیرا از منظر آن حضرت، انسجام و وحدت اعضای هر جامعه از مهمترین عواملی است که موفقیت آنها را تضمین نموده و جامعه را به سمت رشد و تعالی پیش می‌برد. روش به کارگرفته شده در این پژوهش، روش توصیفی، تحلیلی در کنار روش تاریخی است و به دنبال این سوال هستیم که رسانه ملی با توجه به سیره امیرالمومنین (علیه السلام) از چه روش‌هایی در راستای حفظ وحدت و انسجام اجتماعی می‌تواند استفاده کند..

واژگان کلیدی: سیره امیرالمومنین، نهج البلاغه، رسانه، روش، انسجام اجتماعی.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۵/۷/۷

^۱ دانشجوی دکتری مطالعات زنان دانشگاه ادیان و مذاهب (نویسنده مسئول) smh.chavoshiyan@gmail.com

^۲ استادیار دانشگاه قم mhmofateh@yahoo.com

مقدمه

سیره، اصطلاحی فقهی و ناظر به رفتاری است که پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) و سایر معصومین در عمل برای حل و فصل امور مسامانان اتخاذ و اجرا کرده‌اند و بر اثر تکرار آن از ناحیه مسلمانان در موارد مشابه، به صورت عادت درآمده است. امروزه بعنوان یکی از ادله شناخت احکام اسلامی ارزش و اعتبار دارد. تخلف از این راه کارهای عملی که تابع معیار و اصول اسلامی است و در آن منطق خاصی دنبال می‌شود، جایز نیست و این راه کارها درست مانند گفتار آن بزرگواران معتبر و ارزشمند است. یکی از جمله آموزه‌های مهم و نصایح ارزشمند امیرالمومنین (علیه السلام) برای رسیدن جامعه به توسعه و پیشرفت، دستور به همبستگی اجتماعی و انسجام ملی است. به نحوی که کنار گذاشتن تعصبات حزبی، گروهی، قومی، قبیله‌ای، فرهنگی، زبانی، جنسیتی و مذهبی در تطبیق عدالت اجتماعی بسیار تأثیرگذار می‌باشد. (حسینی، ۱۳۸۷) رسانه ملی به عنوان فراگیرترین و پرمخاطب‌ترین رسانه در داخل کشور، نقش بسیار حیاتی در چگونگی ساخته شدن واقعیت اجتماعی، از جمله در چگونگی تعریف روابط میان گروه‌های اجتماعی در ایران بر عهده دارد. فایده تلاش جهت فهم بازنمایی‌های رسانه‌ای در ایران و تحلیل تصاویر رسانه‌ای گروه‌های قومی، مذهبی و سیاسی در سیمای جمهوری اسلامی ایران، به همراه آگاهی از ادراک اعضای قومی و حزبی می‌تواند شناخت بهتری از مشکلات رسانه ملی را در قبال قومیت‌ها به دست دهد و مدیران رسانه ملی را رادر سیاست‌گذاری‌های بهتر یاری کند.

طرح مسأله

همواره در طول تاریخ رسیدن به وحدت و انسجام اجتماعی یکی از دغدغه‌ها و اهداف عالیه تمامی جوامع بشری بوده است و با آغاز طرح مباحث جامعه‌شناسی، مفهوم انسجام اجتماعی^۱ در کانون توجه و تاکید نظریه پردازان علوم اجتماعی قرار گرفته است، به گونه‌ای که متون کلاسیک جامعه‌شناسی را نمی‌توان عاری از این مفهوم تصور نمود. توجه به انسجام اجتماعی در آثار بزرگان جامعه‌شناسی چون فردیناند تونیس^۲ و یا امیل دورکیم^۳، که انسجام اجتماعی را مؤلفه اصلی عمل و رفتار اجتماعی می‌بیند جایگاه ویژه‌ای دارد. در مراحل بعدی نیز جامعه‌شناسان نظم‌گرا در قالب رویکردهای کارکردی- ساختاری و نوکارکردگرایی و همچنین کسانی که در صدد

^۱ Social Integration

^۲ Ferdinand Tönnies

^۳Émile Durkheim

سیره حضرت علی (علیه السلام) در ایجاد و گسترش انسجام اجتماعی با تکیه بر نقش رسانه ملی.....۲۳
ارایه و بسط رویکردهای تلفیقی بوده‌اند همچنان مفهوم انسجام اجتماعی را در کانون توجه خود
حفظ کرده‌اند.

در دوران مدرن با توجه به گستردگی جغرافیایی و فرهنگی جوامع و ارتباطات بشری، الگوی ساده
و طرح‌های پیشینی برای مدیریت و کنترل جوامع و ارتباطات آنها با یکدیگر کفایت نمی‌کند. بر
همین اساس است که رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی در کنترل و توسعه فرهنگی و
اجتماعی هر کشوری از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند تا بدانجا که این رسانه‌ها بیشتر از گفتار و
کردار نخبگان اجتماعی در اذهان عمومی جامعه جایگاه و پایگاه خود را یافته‌اند و چه بسا بتوان
گفت که نخبگان اجتماعی و فرهنگی نیز برای توسعه افکار و اندیشه‌ها ناگزیر از امداد این رسانه-
ها هستند.

با نگاه به آموزه‌های اسلامی می‌توان به اهمیت و جایگاه وحدت در این آموزه‌های پی برد. در
واقع تعالیم اسلام به گونه‌ای است که اتحاد و همبستگی مسلمانان را صرف نظر از تنوع قومی،
نژادی، زبانی و فرقه‌ای، ترویج می‌کند. سیره ائمه معصومین هم در امتداد تأکید و توجه قرآن به
این امر مهم شکل می‌گیرد و نخستین گام را در سیره حضرت علی (ع) شاهد هستیم. اهتمام و
عنایت حضرت به مسئله «وحدت و انسجام اسلامی» به حدی است که ایشان برای تحقق این مهم،
از حق مسلم و منصوص خود - که همانا خلافت پس از پیامبر اکرم (ص) است - گذشته و می-
فرمایند: «آنگاه که پیامبر به سوی خدا رفت، مسلمانان پس از وی در کار حکومت با هم درگیر
شدند؛ سوگند به خدا نه در فکرم می‌گذشت و نه در خاطر می‌آمد که عرب، خلافت را پس از
رسول خدا از اهل بیت او بگرداند یا مرا پس از وی از عهده‌دار شدن آن باز دارند!» (نهج البلاغه،
خطبه ۱۹۲). در چنین شرایطی حضرت امیر(ع) تنها صبر و تحمل پیشه می‌کند و حتی کوچکترین
قدمی برای تصدی ولایت و رهبری بر نمی‌دارد، زیرا خطر اختلاف، اساس امت نوپای اسلام را
تهدید می‌کند. از منظر حضرت علی(علیه السلام)، انسجام و وحدت اعضای هر جامعه از مهمترین
عواملی است که موفقیت آنها را تضمین نموده و جامعه را به سمت رشد و تعالی پیش می‌برد.
توجه به سیره ارتباطی و تبلیغی امیر المومنین در کنار کتاب شریف نهج البلاغه می‌تواند به عنوان
منبع و الگوی مناسب جهت حفظ وحدت و انسجام اجتماعی مورد توجه رسانه ملی قرار گیرد.
تلاش ما در این پژوهش بر این است تا با رویکردی جامعه‌شناختی و استفاده از داده‌های تاریخی
بیان کنیم که روش‌های حضرت علی (ع) در نظم بخشی و انسجام جامعه چه بوده است و رسانه

ملی با توجه به مقتضیات و نیازهای امروز جامعه؛ از چه روش‌هایی می‌تواند در حفظ همبستگی و یکپارچگی جامعه استفاده نماید.

تعریف مفاهیم

سیره در لغت: واژه شناسان معانی متعددی برای کلمه «سیره» ذکر کرده‌اند؛ که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌نماییم: سیره در زبان عربی از ماده «سیر» است، سیر یعنی حرکت، رفتن، راه رفتن. همچنین نوع راه رفتن. سیره بر وزن «فعله» است و در زبان عربی، دلالت بر نوع می‌کند. (عمید، ۱۳۸۰، ذیل واژه) راغب اصفهانی سیره را به معنای حالتی دانسته که انسان یا غیر انسان بر آن حالت باشد. (راغب اصفهانی، ۱۹۹۷م، ذیل واژه «سیره») طریحی نیز، سیره را به طریقه، هیئت و حالت معنا کرده است. (طریحی، ۱۴۱۴ق، ذیل واژه «سیره») ابن منظور نیز می‌گوید: سیره از کلمه «سیر» به معنای رفتن است و خود کلمه سیره به معنای روش و رفتار و سنت و طریقت و هیأت می‌باشد. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۶: ۳۹۹) «سیره» اصلی است که دلالت بر گذشت و جریان دارد از «سار، یسیر، سیراً» و «سیر» به معنای سیر در روز و شب است. «سیره» روش در چیزی و به معنای سنت است، زیرا حرکت می‌کند و جریان می‌یابد. (ابن فارس، ۱۴۱۱ق، ج ۳: ۱۲۰) همانطوری که ملاحظه شد، بیشتر کتب لغت «سیره» را به معنای روش و راه دانسته‌اند، بنابراین در معنای سیره گونه‌ای دوام و استمرار نهفته است. و معنای دیگری که برای سیره یاد کرده‌اند هیأت و حالت است. سیره حالتی است که انسان و غیر انسان به گونه‌ی یادریافتی بر آن است و گفته می‌شود سیره نیکو سیره زشت و سخن خدا که می‌فرماید: «سَعِدُوا بِسِرَّتِهَا الْأَوْلَى» (طه/۲۱) «حالت چوبی که عصا [ی موسی] داشت.» (راغب اصفهانی، ۱۹۹۷م، ذیل واژه «سیر»؛ طریحی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۴۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴: ۳۸۹) سیره به معنای روش و رفتار و حالت و حیات معنی شده است. برابر این بیان سیره به معنای حرکت یا رفتاری است که جهت خاص را پی می‌گیرد:

«سیره» اسم از سار است. سنت، راه، مذهب، هیأت و سیره به یک معنی‌اند. (شرتوتی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۵۶۲). در واقع سیره برای بناء نوع است و دلالت بر گونه ویژه از سیر دارد؛ یعنی گونه، هیأت، حالت، جریان و چگونگی نوعی. (مصطفوی، ۱۳۵۴، ج ۵: ۲۸۸)

سیره در اصطلاح: معنی اصطلاحی سیره را از نظر استاد مطهری بیان می‌کنیم؛ استاد مطهری وقتی در مقام بیان سیره بر می‌آید آن را حرکت، رفتن و راه رفتن یعنی نوع راه رفتن می‌داند ایشان استدلال می‌کنند که سیره بر وزن فعله است و فعله در زبان عربی دلالت بر نوع می‌کند، مثلاً

سیره حضرت علی (علیه السلام) در ایجاد و گسترش انسجام اجتماعی با تکیه بر نقش رسانه ملی.....۲۵

جلسه یعنی سبک و نوع نشستن . سیر ، رفتن و رفتار است ولی سیره نوع و سبک رفتار می باشد . با توضیحی که ایشان از واژه سیر و سیره می دهند کتاب هایی را که عنوان سیره دارند سیر می داند نه سیره . او بخصوص به سیره حلیه اشاره می کند که این کتاب سیر است نه سیره . رفتار رسول ا..(ص) نوشته شده نه سبک ایشان در رفتار و اسلوب و روش آن بزرگوار. چرا که سیره بیانگر سبک متد و رفتاری است که بتواند الگوی دیگران واقع شود. در واقع سیره شناسی یعنی سبک شناسی (مطهری، ۱۳۷۱: ۵۲). همچنین شهید مطهری در جای دیگری می گوید: سیره عبارت است از سبک و اسلوب و متد خاصی که افراد صاحب اسلوب و سبک و منطق در سیر (رفتار) خودشان بکار می برند. همه مردم سیر (رفتار) دارند ولی همه مردم سیره ندارند.(مطهری، ۱۳۷۶: ۵۹)

البته آنچه در این پژوهش مورد نظر است سیره به معنای نوع ؛ سبک و رفتار حضرت علی(ع) در زندگی است .

رسانه عمومی (ملی)^۱ : رسانه ملی ابزاری حکومتی است که از راه امواج صوتی و تصویری، پیام هایش را در قالب برنامه های گوناگون برای مخاطبان پخش می کند و از راه فرهنگی و هنر؛ آنها را تثبیت می کند و یا ارتقا می بخشد. این رسانه را می توان رسانه ای تعریف کرد که هدف آن سود آوری نبوده ، بلکه با برآورده ساختن نیاز های آموزشی ، اطلاعاتی، و تفریحی از طریق پخش برنامه های متنوع، وظیفه خدمت به مردم را بر عهده دارد. رسانه های عمومی در سال ۱۹۲۶ با تشکیل (بی بی سی) تولد یافتند . اگرچه در حقیقت مفهوم منطقی و کاملی برای رسانه های ملی یا مردمی نمی توان یافت، کمیته پیکاک^۲ که به بررسی روش های اداره مالی در (بی بی سی) می پردازد، در واحد تحقیق رسانه خود، عناصر ذیل را برای رسانه های مردمی (ملی) بر می شمارد:

- فراگیری جغرافیایی
- تامین سلاقی و علایق اکثریت
- توجه به علایق و ذایقه اقلیت های جامعه
- میهن دوستی و علاقمندی به هویت ملی
- رقابت در ارائه برنامه های کیفی بجای پرداختن به کمیت آن
- قرار نگرفتن در خدمت منافع خود و حکومت

¹Public Service Broadcasting

² Peacock

- تامین مالی توسط مجموع مصرف کنندگان رسانه
 - داشتن دستورالعمل‌هایی برای دادن آزادی عمل به برنامه سازان و نه محدود کردن آنان
- هم چنین، اریک بارنت^۱ شش ویژگی کلیدی را برای سازمان‌های رسانه‌ای عمومی نام می‌برد:
- دسترسی جغرافیایی برای عموم مردم
 - علاقه به فرهنگ و هویت ملی
 - استقلال از حکومت و منافع تجاری و سودآورانه
 - طبقه‌بندی و تنوع برنامه‌ها
 - رعایت اصل بی‌طرفی در پخش برنامه‌ها
 - بودجه‌ای که اساساً توسط مصرف کنندگان تامین می‌شود. (MENDEL.2000.P.6)
- مقصود از رسانه ملی در این پژوهش، تلویزیون جمهوری اسلامی می‌باشد که شامل ۱۵ شبکه سراسری بوده و در چارچوب مقررات جمهوری اسلامی ایران دارای فعالیت رسمی می‌باشند.
- روش:** عبارت است از مجموعه شیوه‌ها و تدابیری است که برای شناخت حقیقت و برکناری از خطا و لغزش به کار می‌رود. به‌طور دقیق‌تر روش به سه چیز اطلاق می‌شود:
- مجموعه راه‌هایی که انسان را به کشف مجهولات و حل مشکلات هدایت می‌کند.
 - مجموعه قواعدی که هنگام بررسی و پژوهش واقعیات باید به کار رود تا آدمی از خطا مصون ماند و به حقیقت برسد.
 - مجموعه ابزار یا وسایل و یا تکنیک‌هایی که انسان را در طی این مسیر از مجهولات به طرف معلومات یاری می‌کند. (ساروخانی، ۱۳۷۰)
- انسجام اجتماعی:** انسجام یا همبستگی اجتماعی در زبان لاتین معادل "Social Solidarity" به کار رفته است. (بیرو، ۱۳۷۰: ۴۰۰) و در لغت عبارت است از وحدت،^۲ وفاق^۳ و وفاداری^۴ که ناشی از علائق، احساسات و همدلی و کنشهای مشترک است. (Hornby,1998,Entry of Solidarity)

¹ Eric Barents

² Unity

³ Agreement

⁴ Support

سیره حضرت علی (علیه السلام) در ایجاد و گسترش انسجام اجتماعی با تکیه بر نقش رسانه ملی.....۲۷

این واژه با واژه (Social Cohesion) مترادف است و با واژه‌های دیگری همچون یکپارچگی اجتماعی^۱، وحدت^۲، وفاق اجتماعی^۳، نظم اجتماعی^۴ از یک خانواده هستند.

در مورد همبستگی و انسجام اجتماعی تعریف‌های مختلفی ارائه شده است؛ از جمله؛ - «احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه که از آگاهی اراده برخوردار باشند. همچنین همبستگی می‌تواند شامل پیوندهای انسانی و برادری بین انسانها بطور کلی یا حتی وابستگی متقابل حیات و منافع آنها باشد. همبستگی حائز یک معنای اخلاقی است که متضمن وجود یک اندیشه، یک وظیفه و یا الزام متقابل است...» به زبان جامعه‌شناختی همبستگی پدیده‌ای را می‌رساند که بر پایه آن در سطح یک گروه یا یک جامعه، اعضا به یکدیگر وابسته‌اند و به طور متقابل نیازمند یکدیگرند.» (بیرو، ۱۳۷۰: ۴۰۰)

• «همبستگی اجتماعی، نوعی نظم خود بنیاد اجتماعی و اخلاقی است که در آن افراد با هم پیوند یافته و هماهنگ می‌باشند.» (دورکیم، ۱۳۶۹: ۷۲)

• «به وضعیتی اشاره می‌کند که در آن گروه علاوه بر انسجام اجتماعی، کنش جمعی و مشارکت آمیز به سمت دستیابی به اهداف گروهی هدایت شده باشند.» (1992,p299,

Bhushan

ژولیوس گولد و ویلیام ل. کولب واژه همبستگی^۵ را با انسجام مترادف دانسته و در تعریف آن می‌گویند: همبستگی به معنای صف‌بندی نزدیک^۶ اجزای یک جمع، در راستای اصطلاح رایج تر یکپارچگی^۷ به کار می‌رود. جامعه‌شناسان از این مفهوم برای نشان دادن کیفیت یگانگی^۸ در یک جمع استفاده کرده‌اند. (Gould And Kolb, 1964,p684)

باشهان نیز تصریح می‌کند که این واژه، با واژه "Cohesion" مترادف است. (Bushan, 1992,p299) و در همین مورد می‌گوید: همبستگی به وضعیتی اشاره می‌کند

¹ Social Integration

² Unity

³ Social Attunement

⁴ Social order

⁵ Social Cohesion

⁶ Cohesion

⁷ Close Alignment

⁸ Integration

⁹ Unity

که در آن افراد به واسطه تعهدات فرهنگی و اجتماعی، به یکدیگر همبسته و وابسته‌اند. (Ibid, p285

- «همبستگی، عبارت است از توافق با افرادی که در یک نظام اجتماعی مشارکت می‌کنند، و بویژه به خاطر هنجارها، ارزشها، عقاید و ساختارهای آن با آن جامعه احساس نزدیکی کرده و به حمایت آن وابسته‌اند».

اینکه از ملاحظه تعریفهای فوق به روشنی به دست می‌آید که این تعاریف، بر سه نکته تأکید ورزیده‌اند:

۱. «پیوستگی و وابستگی افراد جامعه به یکدیگر» که در قالب واژه‌های مسئولیت متقابل، پیوند، انسجام، صفت‌بندی نزدیک و وابستگی بیان شده است؛
۲. «تعامل» که از واژه‌های مسئولیت متقابل، کنش جمعی و مشارکت‌آمیز فهمیده می‌شود؛
۳. «فرهنگ و احساسات و عواطف» که بر کیفیت همبستگی دلالت دارد و در قالب واژه‌های تعهدات فرهنگی و اجتماعی، ارزشها، هنجارها، عقاید، اخلاق و اندیشه و وظیفه بیان شده است.

بنابراین می‌توانیم تعریف ذیل را با توجه به عناصر فوق ارائه دهیم:

انسجام اجتماعی، علقه و پیوند میان افراد جامعه بر مبنای فرهنگ مشترکشان است که در یک میدان تعاملی، عواطف و احساسات را بر می‌انگیزد.

اهمیت سیره امیرالمومنین (علیه السلام)

سیره امام علی(ع) از جهات مختلفی برای مسلمانان دارای اهمیت و ارزش می‌باشد که در اینجا به برخی از مهم‌ترین و بارزترین نکات در لزوم تبعیت از سیره امیرالمومنین (ع) اشاره می‌نماییم:

مقبولیت سیره امیرالمومنین(علیه السلام) برای عموم مسلمانان

اولین عامل اهمیت توجه به سیره سیاسی علی(ع) مقبولیت گفتار و رفتار ایشان است. زیرا حضرت علی(ع) تنها صحابه‌ای است که برای عموم مسلمانان، اعم از شیعه و سنی مورد پذیرش می‌باشد؛ شیعیان آن حضرت را به عنوان خلیفه بلافضل پیامبر اکرم(ص) قبول دارند و براین باورند که طبق نص صریح رسول خدا(ص) او نخستین جانشین ایشان بوده است. اهل سنت و جماعت - چه پیرو مذهب حنفی، شافعی و حنبلی یا مالکی- ایشان را به عنوان خلیفه چهارم می‌پذیرند و معتقدند که او پس از سه خلیفه قبلی، به خلافت رسید. به هر حال، تمامی مسلمانان، سیره اجتماعی

سیره حضرت علی (علیه السلام) در ایجاد و گسترش انسجام اجتماعی با تکیه بر نقش رسانه ملی..... ۲۹

علی(ع) را بر خود حجت می‌دانند و به آن ملتزمند. از این رو، بررسی عملکرد آن حضرت در فعالیت‌های سیاسی و رفتارهای اجتماعی حائز اهمیت فوق العاده است.

توصیه‌های پیامبر (صلی الله علیه وآله) به تبعیت از سیره امیرالمومنین (علیه السلام)

رسول اکرم(ص) مکرر مردم را به پیروی از سیره و اندیشه علی(ع) سفارش نموده است. سید ابن طاووس به نقل از مناقب خوارزمی می‌گوید: رسول خدا فرمود: ای عمار! علی همواره بر هدایت است و پیروی از او پیروی از من است و پیروی از من اطاعت از خداست. (ابن طاووس، ۱۳۷۴: ۲۳۶)

همراهی امیرالمومنین(علیه السلام) با حق و قرآن

از بسیاری از سخنان پیامبر خدا(ص) استفاده می‌شود که علی(ع) با قرآن ملازمند و از هم جدا شدنی نیستند. ابن حجر هیتمی در «الصواعق المحرقة» حدیثی را نقل می‌کند که رسول خدا(ص) فرمود: «این علی(ع) باقرآن است و قرآن با اوست و از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه در روز قیامت در کنار حوض کوثر بر من وارد گردند» (هیتمی، ۱۳۸۵: ۱۲۶)

برتری امیرالمومنین (علیه السلام) در کیاست و مدیریت جامعه

سیره و رفتار علی(ع) چه در دوران حیات رسول الله(ص) و چه در مدت پنج سال حکومت شان، نشان‌دهنده‌ی توان بالای سیاست و مدیریت آن حضرت نسبت به اداره امور جامعه و کشور داری است. با اینکه جامعه آن روز از سیره رسول خدا(ص) فاصله گرفته بود و احکام اسلامی آن گونه که شایسته بود اجرا نمی‌شد، در عین حال آن حضرت توانست در طول خلافت کوتاه‌شان سنت رسول خدا(ص) را احیا کند.

حفظ وحدت در سیره عملی امیرالمومنین (علیه السلام)

مطالعه در سیره امام علی علیه السلام نشان می‌دهد هدف آن حضرت، تنها حفظ اصل اسلام و وحدت بین عموم مسلمانان بود و در مسئله خلافت - که اولین اختلافی بود که در بین امت اسلامی به وجود آمد - حضرت علی علیه السلام با صبر و سکوت خود، اجازه نداد این اختلاف، وحدت امت اسلامی را خدشه دار سازد. حضرت علی (ع) در یکی از نامه‌های خود با اشاره به غضب خلافت و اختلافاتِ مقارن با آن، می‌فرماید: دیدم گروهی از اسلام بازگشته، می‌خواهند دین محمد صلی الله علیه وآله و سلم را نابود سازند؛ پس ترسیدم که اگر اسلام و طرفدارانش را یاری نکنم، رخنه‌ای در آن بینم یا شاهد نابودی آن باشم، که مصیبت آن بر من سخت تر از رها کردن حکومت بر شما است، که کالای چند روزه دنیا است ... پس در میان آن آشوب و غوغا به پا

۳۰..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال دهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵

خاستم تا آنکه باطل از میان رفت و دین، استقرار یافته، آرام شد.» (نهج البلاغه، ص ۶۰۱، نامه ۶۲) امام علی علیه السلام، خود، تصریح می‌کند که سکوت من حساب شده بود. من از دو راه، آن را که به مصلحت اسلام نزدیک تر بود انتخاب کردم. سپس می‌فرماید: در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها، صبر پیشه سازم؟ که پیران را فرسوده، جوانان را پیر، و مردان با ایمان را تا قیامت و ملاقات پروردگار اندوهگین نگه می‌دارد! پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم. پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلو من مانده بود. (نهج البلاغه، ص ۴۵، خطبه ۳). امام برای حفظ وحدت مسلمین و جلوگیری از پراکندگی و اختلاف امت، همچنان سکوت و مسالمت را حفظ می‌کرد. (شریف قرشی، ۱۳۵۲: ۱۳۰) حضرت در حل مسائل و مشکلات روز با خلفا همکاری می‌کرد تا مبادا مشکلات داخلی، جهان اسلام را در برابر جهان کفر ناتوان نشان دهد. امام به وحدت امت، اهمیت می‌داد و همه عواملی را که به پیوستگی و اجتماع کلمه آن می‌انجامید، مورد عنایت و توجه قرار می‌داد و در همه ادوار زندگی اش بر این وحدت، محافظت می‌کرد؛ زیرا حق خود را رها کرد و به خاطر حفظ امت از تفرقه و اختلاف، با خلفا به مسالمت پرداخت. امام علی علیه السلام پس از تصدی مقام حکومت نیز همچنان بر حفظ مصلحت نظام اسلامی و وحدت مسلمانان تأکید داشت. (ملک زاده؛ ۱۳۸۵: ۱۴۵) اکنون با استناد به سخن امام علیه السلام به چند مورد از سیره عملی آن حضرت می‌پردازیم:

الف) حریص ترین شخص بر وحدت امت اسلامی

امیر المؤمنین، علی علیه السلام خود را حریص ترین شخص به وحدت امت اسلامی می‌دانستند که فرمودند: «وَلَيْسَ رَجُلٌ فَاغْلَمَ أَحْرَصَ عَلَى جَمَاعَةٍ أُمَّهُ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَالْفَتْنَةُ مِنِّي أُبْتَغِي بِذَلِكَ حُسْنَ الثَّوَابِ وَكَرَمَ الْمَأْتَبِ؛ (نهج البلاغه، ص ۶۱۸، خ ۷۸) پس بدان هیچ کس همانند من وجود ندارد که به وحدت امت محمد صلی الله علیه و آله و به انس گرفتن آنان به همدیگر، از من دلسوزتر باشد. من در این کار پاداش نیکو سرانجام شایسته را از خدا می‌طلبم.»

ب) جلب یاری خدا

امیر مؤمنان، علی علیه السلام در فرازی از یکی از خطبه‌هایش خطاب به مسلمانان فرمود: «وَالزُّمُومَا السَّوَادُ الْأَعْظَمُ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ عَلَى [مَعَ] الْجَمَاعَةِ وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْعَنَمِ لِلدَّبِّ؛ (همان، ص ۲۴۰، خ ۱۲۷) همواره با انبوه مردم باشید که دست خدا با

سیره حضرت علی (علیه السلام) در ایجاد و گسترش انسجام اجتماعی با تکیه بر نقش رسانه ملی..... ۳۱

جماعت (حق طلب) است و از تفرقه بپرهیزید که مردم تکرو بهره شیطان شوند؛ چنان که گوسفند تکرو بهره گرگ می شود».

ج) حکم قتل تفرقه افکنان

امام علی علیه السلام از گروهک خوارج - که باعث تفرقه در میان سپاه آن حضرت شدند و گروهی را با شعارهای فریبنده از امت خود جدا کرده بودند - بیزاری می جوید که به دنبال سخن فوق می فرماید: « أَلَا مَنْ دَعَا إِلَى هَذَا الشُّعَارِ فَأَقْتُلُوهُ وَ لَوْ كَانَ تَحْتَ عِمَامَتِي هَذِهِ؛ (همان) آگاه باشید! هر کس مردم را به این شعار (تفرقه و جدایی) فراخواند او را بکشید هر چند زیر این عمامه من باشد.»

سیره حضرت علی (علیه السلام) و عناصر شکل دهنده انسجام اجتماعی

واحد های بنیادی سازنده نظم و انسجام اجتماعی در سطح خرد عبارتند از «عامل»، «تعامل» و «وسیله یا رسانه» ارتباط. نتیجه و برآیند ترکیبی این سه عنصر بنیادی؛ تشکیل «ما» یا اجتماع است. در حقیقت با شکل گیری «ما» است که می توان از انگاره های منظم و نسبتا پایدار صحبت کرد. (چلیپی، ۱۳۹۱: ۱۷)

عاملان اجتماعی

اولین عنصر اساسی شکل گیری نظم و انسجام در سطح خرد، وجود افراد یا عاملان اجتماعی است. با توجه به سیره امیرالمومنین (ع) و منابع معرفتی اسلام، ویژگی ها و شاخص های اصلی مربوط به عاملان اجتماعی که نقش اساسی در شکل گیری و استحکام نظم و انسجام اجتماعی دارند، تعداد عاملان یا تراکم مادی، شدت روابط، و در نهایت نظام شخصیت یا شاکله عاملان اجتماعی است.

شبکه روابط

نخستین شاخص عاملان اجتماعی که در ایجاد و تقویت نظم اجتماعی تاثیر دارد، نفس کنار هم قرار گرفتن افراد به لحاظ فیزیکی یا اصطلاحا تراکم مادی^۱ است. افزایش حجم مناسبات از شرایط شرایط اساسی نظم و انسجام به شمار می رود. زیرا به هر میزان که روابط متقابل در جامعه افزایش یابد، میزان وابستگی اعضای جامعه به هم دیگر بیشتر می شود و میزان وابستگی افراد رابطه مستقیم با میزان استحکام نظم در جامعه دارد؛ یعنی هرچه افراد احساس نیاز و وابستگی بیشتری نسبت به

^۱ منظور از تراکم مادی یا حجم اجتماعی، تعداد افرادی است که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در یک شبکه تعاملی با هم به کنش متقابل می پردازند.

هم داشته باشند، جامعه منسجم تر خواهد شد. و عکس قضیه نیز صادق است. به دلیل اهمیت فزاینده تراکم مادی یا توسعه شبکه مناسبات اجتماعی در استحکام نظم اجتماعی، پیوستن مومنان به جمع و گسترش شبکه ارتباطی آن‌ها در سیره امیرالمومنین (ع) و متون اسلامی تشویق و ترغیب اکید شده است. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: همواره با بزرگترین جمعیت‌ها باشید که دست خدا با جماعت است. از پراکندگی بپرهیزید، که انسان تنها بهره‌بردار شیطان است آن‌گونه که گوسفند تنها طعمه گرگ خواهد بود.^۱ (نهج البلاغه: ۱۸۴) همچنانکه اجتماعی زیستن و همراهی با دیگران؛ عامل جذب رحمت و فاصله گرفتن از جامعه؛ مایه عذاب شمرده شده است.^۲ (پاینده، ۱۳۸۲: ۴۳)

می‌توان گفت که تمامی جامعه‌شناسان در این امر متفق‌القولند که افزایش حجم اجتماعی منجر به افزایش حجم «تماس‌های اجتماعی» می‌شوند و افزایش حجم تماس‌های اجتماعی، ارتباط و وثیق با شکل‌گیری نظم و همبستگی اجتماعی یا تشکیل «ما» دارد. با افزایش تماس‌های اجتماعی، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در میان افراد تقویت می‌شود. در نتیجه انسجام و نظم اجتماعی بیش‌تر تقویت می‌شود و زمینه برای توسعه و پیشرفت اجتماعی بیش‌تر فراهم می‌گردد. در مقابل هرچه افراد به صورت جزیره‌وار زندگی نمایند؛ زمینه بسط نظم واحد تضعیف می‌شود. چنانکه روایات فراوانی^۳ دال بر این امر وجود دارد و خود مویدی برای استنباط تاثیرگذاری شاخص حجم اجتماعی در همبستگی و نظم اجتماعی می‌باشند. (فصیحی، ۱۳۹۱: ۶۸-۶۹)

شدت روابط

شدت روابط به عنوان شاخص تاثیر گذار در استحکام نظم و همبستگی اجتماعی ناظر به توسعه کیفی یا عمق شبکه ارتباطی عاملان اجتماعی است. به عبارت دیگر میزان «گرمی» و بار عاطفی مثبتی را که در تعاملات اجتماعی میان کنش‌گران مبادله می‌شود؛ می‌توان شدت رابطه اجتماعی

۱. "و الزموا السواد الاعظم فان يد الله على الجماعة فان الشاذ من الناس للشيطان كما ان الشاذ من الغنم للذئب."

۲. "الجماعة رحمة والفرقة عذاب."

۳. در برخی روایات زندگی در اجتماعات بزرگ و شهرها به عنوان مراکز علم و آگاهی؛ مایه همبستگی و وفاق دانسته شده است "قال امیرالمؤمنین علی علیه السلام فیما کتب إلى الحارث الهمدانی: وَاسْكُنِ الْأَمْصَارَ الْعِظَامَ، فَإِنَّهَا جَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ، وَاحْذَرِ مَنَازِلَ الْغَفْلَةِ وَ الْجَفَاءِ." (مجلسی؛ ۱۳۶۲: ۱۵۶/۷۳). در مقابل، برخی روایات دیگر زندگی در جوامع بسته و کوچک به خاطر سطح پایین علمی و معرفتی مورد نکوهش قرار گرفته است. "یا علی لا تسکن الرستاق، فان شیوخهم جهله، و شباههم عرمة، و نسوانهم کشفه، و العالم بینهم کالجيفة بین الکلاب." (همان)

سیره حضرت علی (علیه السلام) در ایجاد و گسترش انسجام اجتماعی با تکیه بر نقش رسانه ملی.....۳۳

نامید. در سیره امام علی (ع) به روابط میان عاملان اجتماعی توصیه های فراوانی شده است. ایشان در این باره می فرمایند " برای خدا به دیدار هم بروید و برای خدا با هم مجالست کنید و برای خدا به هم ببخشید یا دریغ کنید؛ از دشمنان خدا ببرید و با دوستان خدا پیوند خورید. " زوروا فی الله و جالسوا فی الله، و أعطوا فی الله و امنعوا فی الله، زایلوا أعداء الله و واصلوا اولیاء الله " (تمیمی آمدی، ۱۳۴۱، ج ۱، ۵۴۹۲) حضرت در جای دیگر می فرمایند: بهترین برادران تو کسی است که با خیر و نیکی اش تو را یاری دهد و بهتر از او کسی است که تو را از دیگران بی نیاز سازد. " خیرٌ إخوانکَ منَ واصلکَ بخیرهِ و خیرٌ منه منَ أغناکَ عن غیرهِ ". (همان، ص ۴۱۵) هم چنین می فرمایند: اگر دوستت پیوند از تو گسست؛ پیوستن او را بر خود هموار ساز و چون از تو رخ برتافت تو به لطف پیوند روی آور... و چون مرتکب خطایی شد عذرش را بپذیر، آنسان که گویی تو بنده او هستی و او ولی نعمت توست. " احمل نفسک من اخیک عند صرمه علی الصله و عند صدوده علی اللطف و المقاربه ... ؛ و عند جرمه علی العذر حتی کانک له عبد و کانه ذو نعمه علیک. " (نهج البلاغه، ص ۳۱)

از فرمایشات ارزشمند امیرالمومنین (ع) می توان این شاخص را استنباط کرد که کیفیت و شدت «تماس های اجتماعی» با نظم و انسجام اجتماعی، رابطه مستقیم و معنی دار دارد. یعنی هرچه میزان مناسبات اجتماعی به لحاظ کیفی عمیق تر و گرم تر باشد، همبستگی اجتماعی بیشتر تقویت می شود.

تعامل

دیگر عنصر بنیادی نظم و انسجام در سطح خرد، «تعامل» است. هرچند وجود افراد به عنوان عناصر مادی، شرط لازم برای شکل گیری جامعه است، اما نظم و انسجام اجتماعی محصولی است که در فرایند دیالکتیک فرد و تعامل ایجاد می گردد. سنتز یاد شده همان شکل گیری احساس «ما» در اذهان «من» های منفرد یا تشکیل هویت جمعی و گروهی است. بنابر این «تعامل» اساس شکل گیری جامعه و بنیاد نظم و انسجام اجتماعی است. تعامل در اساس دارای دو وجه عمده است که می توان آن را به «تعامل ابزاری» و «تعامل اظهاری» مفهوم سازی کرد.

تعامل ابزاری

منظور از تعامل ابزاری ارتباط برقرار کردن کنش گران اجتماعی بر اساس علقه های مادی و رفع حوایج معیشتی روزمره است. در تعامل با وجه ابزاری، «دیگری» و «تعامل» برای کنش گر جنبه کاملاً ابزاری و وسیله ای دارد. دغدغه اصلی کنش گران درگیر این نوع رابطه به حداکثر رساندن

نفع خویش است. عقلانیت ابزاری و محاسبه، اساس این نوع تعامل را شکل می‌دهد. سنخ عالی چنین تعامل، نوعی مبادله سرد است که مبتنی بر منطق بازار یا سیستم عرضه و تقاضا است. به عبارت دیگر تعامل ابزاری؛ کنش متقابلی است که صرفاً بر اساس «منطق بده و بستان» استوار باشد. چنین تعاملاتی بیشتر دارای خصلت تصادفی و مشروط هستند؛ به این معنا که این گونه تعاملات به تنهایی نمی‌توانند دوام بیاورند و خصلت تصادفی خود را از دست بدهند مگر این که بعد از اظهاری تعامل به آن افزوده شود چراکه استمرار و ثبات این نوع رابطه تابعی با آرایش منافع کنش‌گران ذی‌نفع در تعامل است. تعامل ابزاری، شرط لازم برای استقرار انسجام اجتماعی است؛ اما شرط کافی نیست، زیرا تعامل ابزاری از کم‌ترین پایه‌های عاطفی برخوردار است. در حالی که احساس پیوستگی و انسجام اجتماعی تا حد زیادی ریشه در ابعاد عاطفی وجود انسان دارد. در حقیقت آنچه افراد را به هم پیوند می‌دهد و باعث تکرار، تداوم و متشکل شدن تعاملات کنش‌ها می‌گردد، بعد از اظهاری تعامل است که مورد بحث قرار خواهد گرفت. خداوند متعال در قرآن کریم استخدام متقابل انسان‌ها را شالوده تنظیم حیات اجتماعی بیان نموده است. «لَنَحْنُ قَسَمًا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحِمْتَ رَبُّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ.» (زخرف: ۳۲) این آیه شریفه در عین حال که استخدام متقابل را به عنوان شرط لازم (اما نه کافی) برای قوام حیات اجتماعی بیان می‌کند، مطابق تعاملات ابزاری (سخریا) را نیز تبیین می‌کند. علامه طباطبایی در تفسیر آیه فوق می‌نویسد: کثرت حوایج انسانی در زندگی دنیا آن قدر زیاد است که فرد فرد انسان‌ها نمی‌توانند همه آنها را در زندگی فردی خود برآورده نمایند؛ و مجبورند که به طور اجتماعی زندگی کنند، و از این روست که بعضی، افراد بعضی دیگر را به خدمت خود می‌گیرند و از آنان استفاده می‌نمایند و اساس زندگی را تعاون و معاضدت یکدیگر قرار می‌دهند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۸/ ۱۴۸-۱۴۹)

در روایاتی از امیرالمومنین (ع) در تأکید و تأیید مطلب فوق چنین استدلال شده است که اگر فردی مجبور بود که تمام نیازمندی‌های معیشتی از قبیل بنایی، نجاری و انواع صنایع ضروری دیگر را خود انجام دهد و فراهم ساختن تمام نیازمندی‌های زندگی از قبیل تهیه لباس و غیره را خود بر عهده گیرد؛ قوام و شیرازه حیات اجتماعی از هم فرو می‌پاشید و کسی توانایی انجام آن را نداشت و از انجام آن عاجز می‌شد؛ اما خداوند تبارک و تعالی تدبیری حکیمانه را در آفرینش انسان‌ها به کار گرفته است و آثار حکمت خود را اینگونه آشکار ساخته است که بین استعدادها و توانایی

سیره حضرت علی (علیه السلام) در ایجاد و گسترش انسجام اجتماعی با تکیه بر نقش رسانه ملی.....۳۵

های افراد تفاوت ایجاد نموده که در اثر این ناهم‌گونی همت‌ها و توان‌مندی‌ها، هرکسی در پی انجام همان شغل و حرفه‌ای می‌رود که با توانمندی او تناسب دارد. براین‌د این‌صنع حکیمانه رفع نیازهای معیشتی کل‌اعضای جامعه و هم‌کاری متقابل در عرصه حیات اجتماعی است؛ هم‌کاری متقابلی که مصلحت‌همگانی مبتنی بر آن است.^۱ (مجلسی، ۱۳۶۲: ۴۷/۹۰ همچنین ر.ک: حکیمی، ۱۳۸۰: ۴۰۹/۱)

تعامل اظهاری

در تعامل اظهاری نفس ارتباط، ارزشمند است. در ارتباطات مبتنی بر عقلانیت ابزاری؛ منطق کنش اجتماعی و به هم پیوستن افراد، عمدتاً مبتنی بر منطق «چرتکه» انداختن است. اما در ارتباطات مبتنی بر عقلانیت اظهاری، نفس ارتباط به منظور تفاهم اجتماعی دارای ارزش و مطلوبیت ذاتی است در حالی که در ارتباط ابزاری هدف غایی کسب سود بوده و برآورده شدن نیازهای معیشتی است. اما در ارتباط اظهاری نفس با هم بودن و انس و الفت برقرار کردن با دیگران موضوعیت دارد و از علایق بنیادی هستی انسانی محسوب می‌شود. (صدیق اورعی، ۱۳۸۰: ۲۷) در رابطه اظهاری نوعی صمیمیت، اعتماد و تعهد وجود دارد و کنش‌گران رفاه‌حال یکدیگر را در نظر می‌گیرند. در این نوع رابطه نفع فردی تا حدودی از طریق پاداش‌های جانشین‌تأمین می‌شود. پاداش جانشین به عنوان یک پاداش روانی و ذهنی ارتباط مستقیم با میزان دوستی و معاشرت‌پذیری طرفین درگیر در رابطه دارد. روابط اظهاری خاستگاه اصلی اخلاق، تعهد و احساس تکلیف اجتماعی هستند که این به نوبه خودش نظم‌دهندگی روابط اظهاری را نشان می‌دهد. به عبارتی هر قدر صبغه عاطفی و اخلاقی روابط افزایش یابد؛ به همان نسبت نیز میزان اثر انسدادی و انتظامی آن افزایش می‌یابد. (چلپی، ۱۳۹۱: ۲۵۰-۲۵۱) نوع روابط مبتنی بر تعامل اظهاری پایدارتر از روابط مبتنی بر تعامل ابزاری است در واقع می‌توان گفت از منظر اسلام تعاملات اظهاری بنیاد همبستگی و نظم اجتماعی محسوب می‌شود چنانچه امیر مومنان علی (ع) در این خصوص می‌فرماید: دوستی و مراوده‌های اجتماعی که به خاطر پاداش‌های معنوی و رضایت خدا باشد به دلیل دوام و ثبات سبب‌شان پاینده و با دوام است. "الاخوان فی الله تعالی تدوم مودتهم لدوام سببها" (تمیمی

۱. "ولو كان الرجلُ منّا يُضطرُّ إلى أن يكونَ بناءً لنفسه أو نجاراً أو صانعاً في شيءٍ من جميع أنواع الصناعاتِ لنفسه ... ما استقامتْ أحوالُ العالمِ بتلكَ ، ولا اتسَعوا له ، ولعجزوا عنه ، ولكنَّهُ أُنقنَ تدبيرُهُ لمخالفتِهِ بينَ همومِهِمْ ، وكلُّ ما يُطلبُ مِنّا تنصَرَفُ إليه همتهُ ممّا يقومُ به بعضُهُم لبعضٍ ، وليستغنى بعضهم ببعضٍ في أبوابِ المعاشِ التي بها صلاحُ أحوالِهِ."

۳۶..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال دهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵

آمدی، ۱۳۴۱، ج ۲، ص ۵۰). در مقابل، ارتباطات و پیوندهایی که صرفاً مبتنی بر چشم داشت‌های مادی بوده و رضایت خداوند در آن مطمح نظر قرار نگیرد، سست و زوال پذیراست "موده ابنا الدنيا تزول الاذنی عارض يعرض" (همان، ۷۶۲). و اتکا بر این گونه روابط، رفتن به بیراهه و و اتکا به آن ناممکن است. "کل موده مبنیه علی غیر ذات الله ضلال والاعتماد علیها محال" (همان، ص ۴۲۳)

پیوند جویی

اساسی‌ترین ویژگی‌ای که تعامل اظهاری را از تعامل ابزاری متمایز می‌کند؛ این خصوصیت است که در تعامل اظهاری هدف و غایت کنش؛ انس و الفت گرفتن با دیگران است. در سیره امام علی (ع) به این مطلب اهمیت فراوانی داده شده است چنانچه ایشان می‌فرماید: کسی که با مردم انس و الفت داشته باشد، مردم دوستش خواهند داشت. "من تالف الناس احبوه" (همان، ج ۲، ص ۱۶۱) امیر مومنان (ع) در فرمایشی دیگر، در خصوص انس گرفتن با مردم و تاثیر آن می‌فرماید: دل‌های افراد گریز پا است و هرکس با آن‌ها الفت برقرار کند؛ به او روی می‌آورند. "قُلُوبُ الرِّجَالِ وَحَشِيَّةٌ فَمَنْ تَأَلَّفَهَا أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ" (نهج البلاغه، حکمت ۵۰)

حس تعهد

تعهد؛ نوعی احساس مسوولیت و تکلیف اخلاقی در قبال دیگران است. به اعتقاد برخی از جامعه‌شناسان تعهد به عنوان شالوده نظم و روابط پایدار اجتماعی، ارتباط تنگاتنگی با میزان وابستگی عاطفی میان افراد و گروه‌های اجتماعی دارد. یعنی هرچه احساس تعلق افراد نسبت به یک دیگر بیش تر باشد احساس وظیفه و مسوولیت در قبال هم دیگر بیش تر خواهد بود. (چلبی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۱)

بنابر این، می‌توان گفت که تعهد یا احساس تکلیف در قبال دیگران از شاخصه‌های تعامل اظهاری است. تامل در سیره امام علی (ع) نشان می‌دهد که از منظر ایشان، مشارکت اجتماعی عمدتاً صبغه اظهاری دارد؛ بدین معنا که انجام نقش‌های اجتماعی و معاشرت با دیگران تنها به عنوان راهبردی برای تامین ضرورت‌های معیشتی مطرح نیست بلکه در نظام اجتماعی مطلوب، همگان موظف و مکلف اند که با تشریک مساعی و مشارکت متعهدانه در جهت رسیدن به خیر همگانی تلاش نمایند. امام علی در این زمینه می‌فرماید: برای دوست جان و مال و برای دشمن عدالت و انصاف و برای عموم مردم خوش رویی و نیکوکاری ات را بذل کن. "ابدل لاخیک

سیره حضرت علی (علیه السلام) در ایجاد و گسترش انسجام اجتماعی با تکیه بر نقش رسانه ملی.....۳۷
دمک و مالک و لعدوک عدلک و انصافک و للعامه بشرک و احسانک" (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۸،
ص ۱۱۶)

ابزار و رسانه ارتباط

سومین شاخص مربوط به عاملان اجتماعی که در ایجاد و تقویت نظم اجتماعی تاثیر بسزایی دارد، ابزار و رسانه ارتباط است. اگر «ارتباط» را سنگ بنای جامعه انسانی تلقی نمایم بدون تردید «زبان» مهم ترین وسیله ای است که انسان ها برای برقراری ارتباط در جامعه از آن استفاده می کنند. انسان ها بدون استفاده از زبان به هیچ وجه قادر به ایجاد و توسعه جامعه متمایز انسانی نبودند. شکل گیری و استمرار نظام ارتباطی پیچیده انسانی تا حد زیادی محصول توانش زبانی و قدرت نماد سازی انسان است؛ به طوری که برخی از محققان حوزه علم الاجتماع، وجه تمایز انسان را از سایر حیوانات در ظرفیت نماد سازی انسان دانسته و او را « حیوان اعتبار ساز» تعرف کرده اند. (سروش، ۱۳۸۴، ص ۱۲۷-۱۳۵)

زبان مهمترین ابزاری است که انسان ها از طریق آن قادرند با محیط خود ارتباط برقرار نموده و به حیات جمعی شان سامان و انتظام ببخشند. بازگشت به زبان به عنوان «امر محوری» در حوزه نظریه پردازی که از آن تحت عنوان «چرخش زبانی» یاد می شود، رخداد تازه و نو پدید در حوزه علوم اجتماعی است؛ در حالی که تعمق در میراث اسلامی نشان می دهد که در متون اسلامی از دیر باز زبان به عنوان عنصر کلیدی و پر اهمیت در حیات اجتماعی مطرح بوده است. خداوند در قرآن کریم درباره اهمیت زبان در حیات جمعی می فرماید: آن گفتاری که بهتر و محبت انگیزتر است آن را به کار گیرند چرا که شیطان می خواهد میان آنان کدورت و دشمنی ایجاد نماید. "قُلْ لِّعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ اَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ اِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْاِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا." (اسرا: ۵۳)
از این آیه استفاده می شود که زبان برای این که نقش مثبت در تحکیم پیوند های اجتماعی داشته باشد؛ باید دارای ویژگی های خاص باشد و قواعد معینی در آن رعایت شده باشد. اگر شرایط گفتار به هنجار در زبان اجتماعی رعایت نگردد؛ این ابزار اساسی ارتباط، تبدیل به وسیله ای مخرب می شود که به تعبیر قرآن در راستای تحقق اهداف شیطان یعنی فتنه افکنی و شقاق اجتماعی قرار خواهد گرفت. امام علی (ع) در روایتی قدرت تاثیر گذاری زبان و گفتار را قوی تر از قدرت حکومت و دولت می داند " عن الصادق، عن آبائه عليهم السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه وآله: والذی نفسی بیده ما أنفق الناس من نفقة أحب من قول الخیر و الذی نفسی

بیده ما انفق الناس من نفقة احب من قول الخیر،" (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۶۸، ص ۲۹۱) و "رب قول انفذ من صول" (نهج البلاغه، ص ۵۴۵) فتنه، مفهومی است که غالباً کاربرد آن در عرصه حیات اجتماعی ناظر به نوعی گسست اجتماعی است. استفاده نا بهنجار از زبان می‌تواند آتش جنگ‌های خانمان سوز را در عرصه اجتماع شعله‌ور سازد. "کم من حرب جنیت من لفظه" (تمیمی آمدی، ج ۴، ۵۴۹). حضرت علی (ع) نیز نقش زبان در حیات انسان‌ها را بسیار پررنگ معرفی می‌کند و می‌فرماید: هرکس زبان خود را تعلیم دهد قادر خواهد بود بر قوم و عشیره اش حکومت کند. حضرت در ادامه می‌فرماید: مردی در اثر لغزش ممکن است پاهایش قطع گردد، ولی وقتی زبانش می‌لغزد سرش را از دست می‌دهد، لذا امام به مومنان توصیه می‌نماید که زبانتان را حفظ کنید که سخن، اسیر مرد است و هرگاه رها شد شما اسیر آن خواهید بود. "من علم لسانه أمره قومه والمراء یعثر برجله فیرأ، و یعثر بلسانه فیقطع رأسه. إحفظ لسانک فإن الکلمة أسیرة فی وثاق الرجل، فإن أطلقها صار أسیرا فی وثاقها" (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۶۸، ص ۳۰۴-۳۰۵). نقش زبان در عرصه حیات اجتماعی ابعاد گسترده‌ای را در بر می‌گیرد، اما آن چه در این بخش از بحث؛ مورد نظر است، تامل در نقش زبان گفتاری در ارتباط با انسجام اجتماعی است. با توجه به میراث فکری اسلام؛ زبان در صورتی می‌تواند نقش ایجابی نسبت به هم بستگی و حفظ نظم در جامعه داشته باشد که مبتنی بر قواعد گفتار به هنجار باشد. در غیر این صورت، زبان خود به یکی از عوامل بسیار مخرب هم بستگی و انسجام اجتماعی تبدیل خواهد شد. (عارف؛ ۱۳۷۲؛ ج ۵، ص ۲۶۳)

منظور از زبان به هنجار، گفتاری است که مبتنی بر شروط و قواعد درست گفتار باشد. از منظر آیات و روایات حداقل سه قاعده عام برای گفتار به هنجار می‌توان استنباط کرد که یکی از این سه قاعده ناظر به شرایط صدق یا مطابقت گفتار با امر واقع است. دو قاعده دیگر که در متون اسلامی برای شکل‌گیری گفتار به هنجار، رعایت آن‌ها لازم دانسته شده؛ قواعدی اند که بیش‌تر ناظر به کاربرد درست اجتماعی زبان یا استفاده صحیح از زبان به عنوان یک رسانه ارتباط جمعی است. (فصیحی، ۱۳۹۱، ص ۸۵-۸۶)

سیره حضرت علی (علیه السلام) و عوامل موثر در ایجاد باورها، احساسات و رفتارهای مشترک اجتماعی

همان‌طوری که اشاره شد، درکنش متقابل وقتی می‌توان صحبت از شکل‌گیری نظم و انسجام به میان آورد که اعضای درگیر در فرآیند تعامل به تعریف مشترک بین الازدهانی از خودشان به عنوان یک کلیت هم بسته و منسجم یا «ما» برسند. با تشکیل «ما» است که می‌توان از نوعی نظم و

سیره حضرت علی (علیه السلام) در ایجاد و گسترش انسجام اجتماعی با تکیه بر نقش رسانه ملی.....۳۹

انسجام اجتماعی در سطح خرد سخن گفت. پس از تشکیل «ما»ی اجتماعی؛ حفظ نظم اجتماعی و استمرار تعاملات الگومند حداقل با چهار مساله اساسی مواجه است که اگر این مسایل حل نشوند، نظم و انسجام اجتماعی با اختلال مواجه خواهد شد.

همفکری مشترک

نخستین شرط ضروری برای برقراری تعامل و ایجاد احساس همبستگی، «همفکری مشترک» عاملان اجتماعی است. مجموعه ای از افراد یا انبوه خلق وقتی تبدیل به یک اجتماع به هم پیوسته می شوند که بر اساس معانی مشترک به تعامل پردازند. یعنی تعامل متقابل وقتی قابل تداوم است و احساس پیوستگی ایجاد می کند که نظام معنایی، افراد مشترک باشد. بنابراین، هم فکری مشترک را می توان توافق و تفاهم بین الازدهانی عاملان در یک نظام معنایی یا «زیست جهان» مشترک تعریف کرد. منظور از «زیست جهان مشترک» توافق نسبی اعضای جامعه در باورها، ارزش ها و الگوهای عمل است که برآیند این اشتراک؛ تناسب و تشابه روحی عناصر تشکیل دهنده جامعه است. وقتی افراد یک گروه یا اجتماع از دخیره اطلاعاتی و نظام معنایی مشابهی برخوردار هستند، این امکان را دارند که در موقعیت های عمل و کنش با سهولت بیش تری به تفاهم رسیده و جهت گیری های مشترکی را اتخاذ نمایند. زیست جهان واحد باعث می شود که رفتار ها و اعمال برای کنش گران قابل فهم و پیش بینی پذیر گردد، به همین دلیل در این گونه اجتماعات نظم و همبستگی اجتماعی از پایداری و استحکام بیش تری برخوردار است. در سیره امام علی (ع) ادله و شواهدی را میتوان یافت که شکل گیری نظم و انسجام اجتماعی را تا حد زیادی محصول «همفکری مشترک» یا تناسب روحی افراد و گروه های اجتماعی می داند. امام علی (ع) در این باره می فرماید: *إِنَّ النَّفُوسَ إِذَا تَنَاسَبَتْ ائْتَلَفَتْ* (تمیمی آمدی، ۱۳۴۱، ص ۴۲۳) مودت و دوستی میان انسان ها حاصل همنوایی روح ها و اشتراک در نظام معنایی است. از همین رو، جان ها و روح ها هر گاه با یکدیگر تناسب داشتند، ائتلاف و همبستگی میان شان به وجود خواهد آمد. هم چنین در کلام دیگری از امیرالمومنین (ع) آمده است: *النُّفُوسُ أَشْكَالٌ فَمَا تَشَاكَلْ مِنْهَا اتَّفَقَ وَالنَّاسُ إِلَى أَشْكَالِهِمْ أُمَّيَلٌ* (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۵، ص ۹۲) که انسان ها به لحاظ شاکله و ویژگی شخصیتی، هر کدام موجود منحصر و منفرد هستند. آنچه که این نفوس مشتت و مختلف را باهم مانوس و میان شان پیوند برقرار می کند، تشابه روحی یا همان روح جمعی و اشتراک در نظام معنایی است. امام علی (ع) در جای دیگر می فرماید: *كل شيء يميل إلى جنسه؛ كل شيء ينفّر من ضده* (تمیمی

آمدی، ۱۳۴۱، ص ۴۲۳) که هرکسی به سوی هم جنس خود گرایش دارد، یا هر چیزی از ضد خود تنفر دارد و سایر تعابیری از این قبیل که همگی اشاره به این مطلب دارند که انس و الفت انسان‌ها نسبت به یکدیگر در اثر همانندی آن‌ها در نظام معنای مشترک یا روح جمعی ایجاد می‌گردد.

هم دلی مشترک

دومین مساله اساسی در ایجاد نظم و انسجام اجتماعی هم دلی مشترک است. منظور از هم دلی احساس تعلق و تعهد متقابل میان کنش‌گران اجتماعی است که ریشه در بعد عاطفی انسان دارد. عواطف و احساسات از جمله ابعاد مهم وجودی انسان محسوب می‌شود؛ در واقع، وابستگی عاطفی بعنوان یکی از ارکان اصلی تشکیل اجتماع و پایه نظم هنجاری و انسجام اجتماعی قلمداد می‌شود. برخی علمای علم الاجتماع نیز معتقدند که اصولاً کنش‌های اجتماعی از اساس ریشه‌های عاطفی و غیر عقلانی دارند. هرچند تقلیل و ارجاع تمام کنش‌های اجتماعی به محرک‌ها و سرچشمه‌های احساسی غیر قابل دفاع و اغلب مردود تلقی شده است؛ اما تردیدی وجود ندارد که احساس تعلق به جمع، هم دلی و دوستی متقابل اجتماعی که از مشخصه‌های اصلی همبستگی اجتماعی‌اند، ریشه‌های مستحکم در وابستگی عاطفی دارند. در حقیقت وابستگی عاطفی مکانیسمی است که از طریق آن نظم هنجاری استقرار می‌یابد؛ زیرا احساس تعهد و نیازهای پیوند جویانه انسان که عامل اصلی استقرار نظم و انسجام اجتماعی هستند در اساس ماهیت عاطفی دارند. (فصیحی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۴) امام علی در حکمت ۵۰ نهج البلاغه می‌فرماید: "قُلُوبُ الرَّجَالِ وَحَشِيئُهُ، فَمَنْ تَأَلَّفَهَا أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ." یعنی عطف و مهربانی است که قلب‌های مردم طبعاً وحشی و رام‌نشدنی را به همدیگر نزدیک می‌کند چرا که انسان، نسبت به کسانی که نمی‌شناسد نوعی احساس بیگانگی می‌کند؛ ولی اگر طرف مقابل از طریق محبت و عطف وارد شود در برابر او رام می‌شود و رابطه بین آنها شکل می‌پذیرد و نتیجه با محبت و ورزیدن است که این رابطه منسجم و پایدار باقی می‌ماند. بنابراین میزان تعلقات اجتماعی و هم دلی مشترک هر جامعه با میزان هم بستگی آن ارتباط وثیق و تنگاتنگ دارد. هرچه تعلقات عاطفی بیشتر و تعمیم یافته‌تر باشد، میزان هم بستگی اجتماعی نیز بالا خواهد بود.

همگامی مشترک

سومین مساله اساسی در ایجاد نظم و انسجام اجتماعی هم دلی مشترک است. هم گامی ناظر به وحدت عملی کنش‌گران در وضعیت اجتماعی است که در آن منافع و علایق فردی با مصالح جمعی و خیر همگانی در تعارض قرار می‌گیرد. افراد در جامعه به هرمانی که جامعه پذیر شده

سیره حضرت علی (علیه السلام) در ایجاد و گسترش انسجام اجتماعی با تکیه بر نقش رسانه ملی..... ۴۱

باشند در عین حال منافع فردی آن‌ها از بین نمی‌رود. این منافع ممکن است باعث ایجاد تضاد و تزاخم در جامعه گردد؛ به همین دلیل در شرایطی که مصالح و منافع جمعی با علایق فردی در تعارض و تزاخم قرار می‌گیرد، لازم است که راه حلی پیدا شود که نوعی وحدت عمل و همگامی مشترک را بین افراد تشویق نماید. اگر این مساله حل نشود مصالح بلند مدت جامعه قربانی تمایلات و خواست‌های فرد گرایانه می‌شود. (همان، ص ۱۲۲)

از مهم‌ترین شاخص‌های هم‌گامی مشترک و هم‌بستگی اجتماعی، اعتماد است؛ زیرا اعتماد اجتماعی تسهیل‌کننده مبادلات و تعامل در فضای اجتماعی است و هزینه مذاکرات و تفاهم اجتماعی را به حداقل می‌رساند. اعتماد در یک تعریف ساده از انتظار عمل صادقانه دیگران نسبت به خود در جامعه‌ای که هم‌دلی مشترک در آن نیرومند است، ضریب اطمینان و اعتماد اجتماعی نیز در آن بالا می‌باشد. به عبارت دیگر به هر میزان که افراد از تعلق عاطفی بیش‌تری نسبت به همدیگر داشته باشند به همان نسبت، افراد نسبت به هم اعتماد و اطمینان بیشتری دارند. عکس قضیه نیز درست است؛ یعنی هرچه اعتماد اجتماعی بیش‌تر باشد هم‌دلی نیز در آن افزایش خواهد یافت. به دلیل اهمیت روابط مبتنی بر اعتماد در ایجاد نظم و انسجام اجتماعی، سوء ظن و عدم اعتماد در جامعه به شدت در سیره امام علی (ع) مورد نکوهش و مذمت قرار گرفته است. امیر مومنان (ع) می‌فرمایند: بدگمانی بر شما غلبه نکند زیرا که بدگمانی میان شما آبرو و اعتمادی باقی نمی‌گذارد. " لا یُعْلِنَنَّ عَلَیْكَ سَوْءَ الظَّنِّ ؛ فَإِنَّهُ لَا یَدْعُ بَیْنَكَ وَبَیْنَ صَدِیقٍ صَفْحًا. " (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۴، ص ۲۰۹).

نفع مشترک

چهارمین مساله در ایجاد نظم و انسجام اجتماعی نفع و اقبال مشترک است. این شاخص ناظر به تامین نیازها و میزان نیاز متقابل افراد به تشریک مساعی مابین کنش‌گران در برآورده شدن آن‌ها است. نفع و نیازهایی است که رفع آن‌ها از طریق جمع و با مشارکت دیگران در جمع بیش‌تر ممکن است. بنابر این، مقصود از نفع مشترک ایجاد راه‌حل‌های مشترک برای رفع نیازهای مشترک می‌باشد. یکی از شاخص‌های نفع مشترک و در نتیجه استحکام نظم و همبستگی اجتماعی، پای‌بندی به میثاق‌ها و تعهدات اجتماعی است. پای‌بندی به تعهدات از جمله ارزش‌های عام انسانی است که همه جوامع بر اهمیت و مقبولیت آن اتفاق نظر دارند. میثاق‌های اجتماعی به قدری مهم‌اند که برخی متفکران شالوده‌حیات جمعی آدمیان را قراردادهای و میثاق‌های

اجتماعی دانسته اند و معتقدند که ریشه همه ارزش‌های اجتماعی به قراردادهای و تعهدات، اعم از قراردادهای آگاهانه و رسمی یا قراردادهای ارتكازی و ضمنی بر می‌گردد. علامه طباطبایی در مورد ضرورت و لزوم وفای به عهد و پیمان‌های اجتماعی می‌نویسد: «حسن وفای به عهد و قبح نقض عهد از فطریات بشر است و انسان در زندگی فردی و اجتماعی بی‌نیاز از عهد و وفای به آن نیست؛ نه فرد انسان از آن بی‌نیاز است و نه جامعه انسانی. اگر در زندگی اجتماعی بشر دقیق شویم، خواهیم دید که تمامی مزایای که از زندگی اجتماعی نصیب انسان می‌شود، و همه حقوق زندگی اجتماعی ما که با تامین آن حقوق آرامش می‌یابیم بر اساس عقد اجتماعی عمومی و عقدهای فرعی و جزئی مترتب بر آن استوار است. در حقیقت اگر میثاق‌ها و پیمان‌های اجتماعی نباشد جامعه‌ای هم تشکیل نمی‌شود. بعد از تشکیل اجتماع هم اگر افراد به خود اجازه دهند که به هر دلیلی پیمان‌های اجتماعی را نقض کنند هیچ‌کس نمی‌تواند از مزایای حیات اجتماعی بهره‌مند شوند.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۲۵۹). امام علی (ع) در نامه ۵۳ به مالک اشتر رعایت و پای بندی به پیمان‌ها و عهد نامه‌ها را حتی در مورد دشمن مورد تاکید قرار می‌دهد و می‌فرماید: اگر پیمانی بین تو و دشمن منعقد گردید، یا در پناه خود او را امان دادی؛ به عهد خویش وفادار باش، و بر آن چه بر عهده گرفتی امانت دار باش، و جان خود را سپر پیمان خود گردان؛ زیرا هیچ‌یک از واجبات الهی همانند وفای به عهد نیست که همه مردم جهان با تمام اختلافاتی که در افکار و تمایلات دارند، در آن اتفاق نظر داشته باشند. تا آن‌جا که مشرکین زمان جاهلیت به عهد و پیمانی که با مسلمانان داشتند وفادار بودند، زیرا که آینده ناگوار پیمان شکنی را آزموده بودند. پس هرگز پیمان شکن مباش، و در عهد خود خیانت مکن، و دشمن را فریب مده؛ زیرا کسی جز نادان بدکار بر خدا گستاخی روا نمی‌دارد، خداوند عهد و پیمانی که با نام او شکل می‌گیرد با رحمت خود مایه آسایش بندگان، و پناه گاه امنی برای پناه آورندگان قرار داده است، تا همگان به حریم امن آن روی بیاورند. پس فساد، خیانت، فریب در عهد و پیمان راه ندارد. (نهج البلاغه، ص ۵۸۷-۵۸۹)

حضرت در این کلام خویش دو نوع تعلیل در لزوم وفای به عهد ارایه کرده است: نخست آن که وفای به عهد، اصلی عمومی در میان تمام اقوام و ملل است که بر پایه آن می‌توان روابط میان آنها را سامان داد و در صورت ورود خدشه در این اصل نظم همگانی از میان می‌رود و سنگ بر روی سنگ قرار نمی‌گیرد. دوم آنکه وفای به عهدی که از سوی مسلمین و به نام خدا بسته شده است، پای بندی به ارزش‌ها و حفظ حرمت آن‌ها محسوب می‌شود.

سیره حضرت علی (علیه السلام) در ایجاد و گسترش انسجام اجتماعی با تکیه بر نقش رسانه ملی.....۴۳

نتیجه گیری

تامل در سیره امام علی (ع) نشان می دهد که از منظر ایشان، مشارکت اجتماعی عمدتاً صبغه اظهاری دارد؛ بدین معنا که انجام نقش های اجتماعی و معاشرت با دیگران تنها به عنوان راهبردی برای تامین ضرورت های معیشتی مطرح نیست بلکه در نظام اجتماعی مطلوب، همگان موظف و مکلف اند که با تشریک مساعی و مشارکت متعهدانه در جهت رسیدن به خیر همگانی تلاش نمایند. از آنجاییکه انسجام و همبستگی اجتماعی یکی از کارکردهای مهم رسانه ها در عصر حاضر می باشد، رسانه ملی بعنوان بازوی حکومت اسلامی در راستای حفظ وحدت و نظم اجتماعی و به وجود آوردن باورها، احساسات و رفتار مشترک در میان اقشار و صفوف مختلف جامعه اسلامی، نقشی مهم و تاثیر گذار را ایفا می نماید. از این رو، رسانه ملی باید با بهره گیری از سیره امیرالمومنین (ع) فرهنگ مدارا، همدیگر پذیری و انعطاف را در کشور و جامعه زنده نموده، نیرو و حرکت ببخشد و فهم صحیح از اتفاقات گذشته و فعلی را در زمینه تحقق عدالت و رسیدن به صلح و آشتی ملی و در نهایت شکل گیری ملت واحد را همگانی نماید.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه (۱۴۱۴ق). قم: انتشارات هجرت
۳. ابن طاووس، سید علی (۱۳۷۱). طرائف (داود الهامی، مترجم) نشر نوید اسلام، چاپ اول.
۴. بیرو، آلن، (۱۳۶۶). فرهنگ علوم اجتماعی (باقر ساروخانی، مترجم). تهران: کیهان.
۵. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). نهج الفصاحه، تهران: انتشارات جهان دانش.
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیم (۱۳۴۱). غررالحکم ودررالکلم. (شرح جمال الدین محمد خوانساری، مقدمه و تصحیح و تعلیق میرجلال الدین حسینی ارموری). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. چلبی، مسعود (۱۳۹۱). جامعه شناسی نظم. تهران: نشر نی، چاپ ششم.
۸. حکیمی، محمد رضا (۱۳۸۰). الحیات. (احمد آرام، مترجم). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۹. دورکیم، امیل (۱۳۹۰). جامعه شناسی و فلسفه. (فریدون سرمد، مترجم). تهران: نشر کندوکاو.
۱۰. ساروخانی، باقر (۱۳۷۸). جامعه شناسی ارتباطات. تهران: اطلاعات.
۱۱. سروش، عبدالکریم (۱۳۸۴). درس هایی در فلسفه علم الاجتماع. تهران: نشر نی، چاپ چهارم.

- ۴۴..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال دهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵
۱۲. شریف قرشی، باقر(۱۳۶۲). زندگانی حسن بن علی علیهماالسلام (فخر الدین حجازی، مترجم). تهران: بنیاد بعثت، ج ۱.
۱۳. صدیق اورعی، غلامرضا(بی تا). تعارض‌های فرهنگی و وفاق اجتماعی: مجموعه مقالات وفاق اجتماعی و فرهنگ عمومی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۲۱-۲۲.
۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین(۱۳۷۴). تفسیر المیزان. (محمد باقر موسوی همدانی، مترجم) قم: انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
۱۵. عارف، سید محمد صادق(۱۳۷۲). راه روشن. مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۱۶. فصیحی، حسن(۱۳۹۱). نظم و انضباط اجتماعی در اسلام و شاخص‌های آن، قم، تهران: پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی(ص) - مرکز بررسی‌های راهبردی ریاست جمهوری.
۱۷. مجلسی، محمد باقر(۱۳۶۲). بحارالانوار. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. مطهری، مرتضی(۱۳۷۶). مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا.
۱۹. مطهری، مرتضی(۱۳۷۹). سیری در سیره معصومین(ع). تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
۲۰. ملک زاده، محمد(۱۳۸۵). سیره سیاسی معصومان در عصر حاکمیت. تهران: کانون اندیشه جوان، چاپ اول.
۲۱. هیتمی، احمدابن حجر(۱۳۸۵ق). الصواعق المحرقة. مصر: مکتبه القاہرہ.